مدیریت شهری
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017
۱۴۹-۱۶۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱

تاثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن

آرمین وس کاه- گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
سید هادی قدوسی فر*-استادیار، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده
امروزه چگونگی ساخت مسکن بر الگوهای زیستی و نحوه زندگی مردم تاثیر عمده‌ای داشته و تغییرات و تطورات مختلف فرهنگی را بوجود آورده است که با نگاه به معماری قدیم نواحی مختلف، ابعاد این تاثیرات بیشتر درک و فهم می‌شود. از سویی دیگر، «مسکن» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت «نظام اجتماعیِ» حاکم بر فرهنگ در هر قوم یا ملتی شکل می گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش ها، معانی و هنجارهایی که در «فرهنگ» رایج است؛ و با توجه به سنت و آداب و رسومی که بر ساختار فرهنگی یک قوم یا ملت حاکم می باشد، شکل مادی و معنوی فضاهای زندگی را بوجود می آورد. از سویی دیگر، امروزه تکنولوژی و چگونگی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن تاثیر داشته و دارد، چنانچه باعث تغییر مفهوم «خانه» به «مسکن» شده است و باعث تغییرات گوناگون سبک زندگی و الگوهای زیستی بالاخص در اقوام ترکمن شده است که این موارد در تغییر روابط و الگوهای زیستی در خانه های بومی ترکمنها خود را نمایان کرده است. لذا، در این مقاله با ماهیت تحقیق بنیادی از روش تحقیق «توصیفی- تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی استفاده شده است؛ و از روش تحلیل ساختار کالبدی برای بررسی تاثیر تکنولوژی ساخت و موارد مشابه بر الگوهای زیستی ترکمن بهره گرفته است. در پایان نیز ضمن تحلیل چگونگی این تاثیرات و تاثرات، به مجموعه تغییرات خانه بومی ترکمنها (اوی، تام و موارد دیگر) و تبدیل آنها به مساکن فعلی یا آپارتمانهای جدید در این منطقه اشاره شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن بومی، تکنولوژی ساخت، الگوهای زیستی، ترکمن.

The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen

Abstract
Today, the construction of housing on people's life pattern and lifestyle has a major impact. And cultural changes and evolution has created. Looking at the different regions of the old architecture, the size of these effects is more understanding. On the other hand, "Housing" phenomenon is consistent with the whole "social system" prevailing culture every nation takes shape; in fact, according to a set of values, meanings and norms that the "culture" is common. On the other hand, today's technology and how to build a life pattern in housing has affected and there, you can change the concept of "home" to "house" and causes a variety of changes in lifestyle and life pattern, especially in Turkmen that these changes in relationships and life pattern in their Turkmen native dwellings have revealed. Therefore, in this paper, the nature of basic research methodology "descriptive"" data collection, including library and documentary studies and field studies have been used. And physical structure analysis method to evaluate the effectiveness of biological patterns of Turkmen and the like is used. Finally, the analysis of the impact of changes to a local house of (oy, Tom and others) and convert them into existing houses or new apartments in the area mentioned And is analyzed.
Key words: culture, indigenous housing, construction technology, biological models, Turkmen.

* نویسنده مسوول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۴۷۸۶۰۰ ، رایانامه: h_ghoddusifar@azad.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

مقدمه

خانـه و مسـکن، نوعـی «حریـم فرهنگی» اسـت که ما را از دیگـری جـدا می کنـد و در عیـن حـال زندگـی و همزیسـتی بـا دیگـران را ممکـن می سـازد. داشـتن سـرزمین و خانـه‌ای از آن خـود، نه تنهـا بـه معنـای تثبیـت و رهایـی از سرگشـتگی اسـت، بلکه بـه معنای دسـتیابی به «حریـم خصوصی» اسـت. «حریم» جایی اسـت که انسـان می توانـد آرامـش داشـته و آنگونه ای کـه خـود و فردیـت او ایجـاب می کنـد، زندگـی و رفتـار نمایـد. بـر اسـاس ایـن ویژگی هـا می تـوان بـه شـکل گیری نحـوه تعامـل افـراد در فضـای خانـه و سـاختار زیسـت در مسـکن اشـاره کـرد. مطالعـه اجتماعـی و فرهنگـی خانـه از ایـن بعـد اهمیـت دارد کـه مـا بـه دنبـال این باشـیم کـه بدانیـم ایـن خانه با توجـه بـه فرهنـگ حاکـم بـر نظـام اجتماعـی و عرفی منطقـه چگونـه سـاخته می شـود؟ در واقع با گذشـت زمـان و دسـتیابی بـه تکنولوژیهـای نـو چـه تغییراتـی در الگوهـای زیسـتی و سـکونتی و بالتبـع بـر کالبـد معمـاری خانـه صـورت مـی گیـرد؟ شـایان ذکر اسـت کـه بـا توجه بـه فرهنـگ و خـرده فرهنگ هـای حاکم در مناطـق بومـی بایـد این پدیده را تفسـیر و تشـریح کـرد؛ و یـا اینکـه هر فـردی چگونـه خانـه را توصیف و ترسـیم می-کنـد کـه در این مقالـه، موارد فـوق الذکر در خانه هـای پیشـین ترکمنها و مسـاکن جدید آنها و تاثیـر تغییر «تکنولـوژی» در تغییر «سـبک زندگی» و فضاهـای کالبـدی خانه مـورد بررسـی قرار مـی گیرد. شـایان ذکر اسـت که در رابطـه با الگوهای زیسـتی در مسـاکن بومـی تحقیقاتی صـوردت گرفته کـه می توان به پژوهشـهای گسـترده‌ای توسـط برومبـرژه (۱۳۷۸)، خاکپـور و دیگران (۱۳۷۸، ۱۳۹۰) و اسـمیت و کرافت (۲۰۰۶) و ... اشـاره کـرد.

عـلاوه بر این، مطالعـات اجتماعی به نحـوه تعامل افراد در خانـه اهمیـت می دهـد، در واقـع بـرای پژوهشـگر ایـن تعامـلات اهمیـت دارد کـه از چـه «محتـوا و معنایـی» برخوردار اسـت؟ با توجه به سـاختار ارزشـی و هنجـاری کـه بر فرهنـگ یک جامعه حاکم می باشـد افـراد بـرای بـردن یـا نبـردن دیگـران بـه خانـه بایـد رفتارهـا و اعمالی را پیـاده کنند، در واقع اینکه در خانه فضاهـای متفاوتی وجود دارد که هریـک از این فضاءها از کارکردهـای متفاوتـی اعـم از «قدسـی بـودن، عرفی بـودن، خـاص بودن» برخـوردار اسـت، مورد تفسـیر و تشـریح قـرار می-گیـرد. لـذا بایـد گفـت کـه «خانه و مسـکن»، یکـی از مهم‌تریـن اشـکال «سـازمان‌دهی اجتماعـی فضـا» اسـت کـه ماننـد بسـیاری دیگـر از مجموعه‌های سـاخت بشـر، ماهیتـی دوگانـه دارد: «۱. تحـت تأثیر فرهنگ شـکل می‌گیـرد و ۲. بـه نوبه خود بـر آن تأثیـر می‌گـذارد.» ایـن فضـا، در کانـون توجـه برخـی از فیلسـوفان معاصـر مانند «گاسـتون باشـلار» فرانسـوی و «مارتیـن هایدگـر» آلمانـی قـرار گرفتـه و به تبـع آن، بحث‌هایـی در سـایر رشـته‌ها نیـز ایجـاد شـده اسـت. الگوهای معنایی از خانه در زندگی روزمره انسـانی بـه امتـداد تاریخ گسـتردگی داشـته و لـذا در هـر برهـه‌ای امـکان پیـدا کـردن بنایی که جـای خانه روزانه را در بخشـی از سـلوک زندگی انسـان ها بگیرد، وجود داشـته اسـت. از سـوی دیگر، شـکی نیسـت که معمـاری در تعاملـی دوسـویه «هم بر فرهنـگ و هم از فرهنگ تاثیر گذاشـته و تاثیر پذیرفته» اسـت، چنانچه مقولـه جامعه شناسـی شـناخت، سـعی در شناسـایی ایـن حلقه هـای مفهومـی و معنایـیِ تعاملاتِ فرهنگ (جامعـه) و معمـاری دارد؛ لـذا رسـیدن به یـک فرایند اندیشـه ارتباطی خاص بینابینی (بدون فرم و شـکل از قبل تعیین شـده) مشـتمل بر عناصـر خردگرا و حس-گرای اجتماعیِ معماری مانند فلسـفه، زیبایی شناسـی، پدیدارشناسـی، و اخـلاق، بـه عنـوان ابـزار و داده های فرآینـد پایدارسـازی بسـتر اجتماعـیِ معمـاری با تکیه بـر الگوی فکـری خـاص و نتایج اجتماعی مشـخص به صـورت واکنش هـای اسـتاندارد ولـی نسـبی جامعـه و نسـبت بـه معمـاری بـا بازخـورد ادراکـی از معمـاری، از جملـه مفاهیمـی اسـت کـه لازم اسـت تـا در رابطـه فرهنـگ و معمـاری خانـه مـورد بحـث باشـد. در ایـن مقالـه بـه نحوه تاثیـر تکنولوژی بر الگوهای زیسـتی در مسـکن پرداختـه شـده و نکاتی چنـد در ایـن رابطه از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

بازخوردهـای آن در مسـکن بومی ترکمنها مورد اشـاره قـرار مـی گیرد.

ادبیات تحقیق

سکونت

«سـکونت» را می تـوان بیانگـر تعیین موقعیـت و احراز هویـت دانسـت. سـکونت بیانگـر برقـراری پیونـدی پرمعنـا بیـن انسـان و محیطـی مفـروض می باشـد که ایـن پیونـد از تـلاش بـرای هویـت یافتـن یعنـی بـه مکانـی احسـاس تعلـق داشـتن ناشـی گردیده اسـت؛ بدیـن ترتیـب، انسـان زمانـی برخـود وقـوف می یابـد کـه مسـکن گزیـده و در نتیجـه هسـتی خـود در جهـان را تثبیت کرده باشـد. سـکونت از نظـر هایدگر، فرآینـدی اسـت که آدمی در جریـان آن «مکانِ بودن» را تبدیـل بـه خانـه می‌کنـد و بـا چهـار منبـع اصلـی تفکـر یعنـی خـدا، خـود، آسـمان و زمیـن بـه برقراری هماهنگـی می‌پـردازد (یاراحمـدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)؛ بـه عبارت دیگر، «سـکونت از نظر او سـقفی را سـایبان قـرار دادن یـا چنـد مترمربـع زمیـن را زیـر پـا گرفتن نیسـت» (شـولتز، ۱۳۸۷، ص ۹) و مفهومـی فراتـر از ایـن اسـت. درواقـع، برقـراری پیونـدی پرمعنـا بیـن انسـان و محیطـی مفروض اسـت کـه در ایـن رویکرد، خانـه، فریضـه‌ای دارد کـه می‌بایـد بـا زمین و آسـمان بـه انجـام برسـاند. اولیـن مفهومی کـه بعد از شـنیدن کلمـه سـکونت در ذهن انسـان نقش می‌گیرد، سـاکن شـدن و اتـراق کـردن در یک مـکان اسـت. «هایدگر» مصیبـت واقعی سـکونت را «کمبود مسـکن» نمی‌داند و بـه نوعـی شـاخص کیفیـت را مطرح می‌کنـد، این‌که سـکونت کـردن فاقـد فکر کـردن و بنا کردنی مناسـب و درخـور او شـده اسـت. «بی‌خانمانـی» نیـز بـه نظـر او، بیـش از آنکـه نداشـتن سـقف بـالای سـر باشـد در بیگانگـی از تعـادل اسـت، تعـادل بیـن امـر مـادی و معنـوی، بیـن زمیـن و آسـمان. آدمیـان مـدرن بـه فراموشـی نسـبت به چگونگی سـکونت دچار گشته‌اند. بدیـن سـبب چگونـه در خانه بودن و سـاختن را نیز به فراموشـی می‌سـپارند. اکنـون آنان بدون آنکـه مکان را تحـت سـکونت خود درآورنـد تنها در آن حضـور دارند (یاراحمـدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). «کریسـتین نوربـرگ شـولتز» روش‌هـای سـکونت را به چهار شـیوه تقسـیم می‌کنـد:

۱. سکونت به صورت طبیعی؛

۲. سکونت مجتمع؛

۳. سکونت عمومی؛

۴. سکونت خصوصی.

از سـوی دیگـر، مسـکن پدیـده‌ای اجتماعـی اسـت و انتظـام و نـوع فضاهـا و همچنیـن فـرم ظاهـری آن از عوامـل فرهنگی، اجتماعـی و اقتصادی تأثیر می پذیرد. هدف اصلی مسـکن به وجود آوردن محیطی سـازگار و منطبـق بر روش زندگی انسـان اسـت. عـلاوه بر تأمین نیازهـای فردی، مسـکن باید قـادر به برآورده سـاختن نیازهـای اجتماعـی انسـان نیـز باشـد (پوردیهیمـی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). سـکونت طبیعـی اولیـن بـار در آبادی شـکل گرفـت؛ لـذا انـواع جنبه هـای زیسـتی در مقوله سـکونت عبارتند از:

۱. آبـادی؛ محلی اسـت که محیط طبیعـی مفروضی را در برگیـرد. در نتیجـه؛ آبـادی، صحنه رخداد سـکونت طبیعـی اسـت. با توجـه به تمایل انسـان بـرای زندگی اجتماعـی، سـکونت‌گاه‌های جمعی شـکل گرفتند.

۲. فضاهـای شـهری، صحنـه ملـاقات و دیـدار اسـت، جایی اسـت کـه انسـان‌ها در آن مصنوعات، اندیشـه‌ها و احساسـات خـود را بـا یکدیگـر مبادلـه می‌کننـد. بدیـن صـورت؛ سـکونت مجتمع شـکل گرفـت. پس از شـکل‌گیری سـکونت‌گاه‌های مجتمـع، چارچوب‌هـای توافـق بیـن انسـان‌ها بـه وجـود آمدند.

۳. توافـق؛ بیان‌کننـده ارزش‌هـا و منافـع مشـترک اسـت و امـکان عضویـت در گروه‌هـای اجتماعـی را ایجـاد می‌کنـد. از ملزومـات توافقات اجتماعـی، وجود فضاهـای دیدار و مشـترک بیـن اعضای اجتماع اسـت. ایـن فضاهـا، مکان‌های عمومی هسـتند کـه ارزش‌های مشـترک در آنها نگهداری می‌شـوند. سـکونت عمومی، پـس از توافـق اجتماعـی و ایجـاد مکان‌هـای عمومـی معنـی پیـدا می‌کنـد.

۴. جنبـه دیگـر سـکونت، خلوت فرد اسـت کـه یکی از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۱. مفاهیم کمرنگ شده در ساخت و سازهای جدید؛ ماخذ: بیتی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.

مفاهیم کم رنگ شده در ساخت و ساز های جدید	
-تبدیل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرمهای کاملا هندسی	-کم رنگ شدن مسائل اقلیمی
-حذف فضاهای نیمه باز و بینابین در واحدها	-نادیده گرفتن مسائل مربوط به محرمیت در فضاها
- حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ	-استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون واحدها)
-حذف فضاهای خدماتی در واحدها	-طراحی نماهای همسان با خانه های شهری
-تفکیک کامل فضاهای زیستی بر اساس کارکرد	-عدم توجه به اندازه فضاها
-حذف سلسله مراتب ورودی	-عدم توجه به دید و منظر

ابزارهـای شـکل‌گیری و پـرورش هویت فرد اسـت. این شـیوه سـکونت را می‌توان بـا توجه بـه فعالیت‌هایی که باید از دخالت دیگران دور نگه داشـته شـوند، سـکونت خصوصـی نامیـد. بـه طـور کلـی؛ آبـادی، فضاهـای شـهری، فضاهـا و نهادهـای عمومـی و خانـه همـراه یکدیگـر، محیـط کل یـا محـل سـکونت (جایـی کـه در آن سـکونت بـه صـورت طبیعـی، مجتمـع، عمومی و خصوصـی شـکل می‌گیـرد) را بـه وجـود می‌آورنـد.

خانه

در ادبیـات علمـی و بـه تبـع آن در ایـن پژوهـش، مسـکن صرفـاً بنایی نیسـت کـه به عنـوان خانـه مورد اسـتفاده قـرار می گیـرد. مسـکن (housing) کلیتـی از مباحـث عمـران، معمـاری و شهرسـازی، علـوم اجتماعـی، اقتصـاد، و جمعیـت شناسـی را در برمـی گیـرد. عناوینی چون همسـایگی (neighborhood)، نـوع تصدی (صاحب خانگـی (homeownership) یا اسـتیجاری و غیره)، شـکل خانه (آپارتمانـی یا ویلایی، مجتمـع مسـکونی (residence) یـا خانـه شـخصی (Owner-occupied)، خوابـگاه اشـتراکی و غیـره)، و بـازار مسـکن ذیـل بحث مسـکن مـورد مطالعـه قرار مـی گیرد. مطالعات مسـکن را می توان در سـه دسـته طبقه‌بنـدی کـرد؛

۱. «فرهنگی، زبانشناختی و تاریخی»؛

۲. «فلسفی و پدیدارشناختی»؛ و

۳. «روانشناختی.»

خانـه از هـر نوعـی کـه باشـد لاجـرم در طبیعـت و بر روی طبیعـت و بـا اسـتفاده از مـواد بدسـت آمـده از طبیعت سـاخته می شـود. و نمی تواند بدون سـازگاری بـا طبیعـت به حیات خـود ادامه دهد. بنابراین مسـکن نـه تنهـا رنـگ تاریـخ بلکـه رنـگ جغرافیـا نیـز دارد. امـا در اینجـا نیـز انسـان بـه دسـتکاری طبیعـت مـی پـردازد و بـر آن مسـلط می شـود تـا بتوانـد خانـه‌ای بسـازد کـه بـا فرهنـگ او سـازگار باشـد نـه صرفـاً بـا مقتضیـات طبیعـت. از اینـرو، خانـه را باید بیـش از هر چیـز «برسـاخته» یـا «سـازه‌ای اجتماعـی و فرهنگی» دانسـت نـه صرفـاً سـازه‌ای از مـواد و مصالـح چـوب، سـنگ. بطـور عام فضـای مسـکونی را که انسـان ها در آن اقامـت و زندگـی می کننـد «خانـه» می نامنـد.

مسـکن از منظـر «مهندسـیِ عمـران»، یـک بناسـت کـه در ترکیـب بـا ابعـاد زیبایی شناسـانه و بـا تدقیـق پتانسـیل زیسـتی درونش وجهی معمارانه نیـز به خود می گیـرد. در هـر دوره تاریخـی، فـرم خانـه متناسـب بـا شـرایطی کـه انسـان در آن قـرار داشـته، تغییـر کـرده اسـت. ایـن تحـول را می تـوان از روی نمونه هـا و بقایـای موجـود خانه هـای اقـوام نخسـتین تـا اقـوام امـروزی مشـاهده کـرد. خانه بـه مثابه یکـی از مولفه-هـای اساسـی زندگـی اجتماعـی، نقـش اساسـی در فرهنـگ انسـانی دارد. ایـن پدیـده منطبـق بـا کلیـت نظـام اجتماعـی حاکم بـر فرهنگ انسـانی در هر قوم یا ملتـی شـکل می گیـرد. در واقع بـا توجه بـه فرهنگ و ریشـه هایی که بـر سـاختار فرهنگ یـک جامعه حاکم اسـت، شـما در خانـه بـا آیین هـای بسـیاری روبـرو می شـویم؛ که بایـد هریک از این آیین ها معناشناسـی و مفهوم سـازی گـردد. از منظر دیگر باید اشـاره به این کنیـم آنچـه که خانـه را به عنوان یـک وجه فرهنگی و اجتماعـی بـرای مـا بااهمیـت کرده اسـت؛ ایـن که این

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]



نمودار ۱. محیط زیست و بستر فرهنگی برای ظهور معماری بومی؛ ماخذ: خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳.





نمودار ۱. (سمت راست) ابعاد روند سکونت زیستی بشر؛ ماخذ: نگارندگان و نمودار ۲ (سمت چپ). حوزه های تاثیرگذار بر مسکن بومی؛ ماخذ: بیتی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲.

پدیده نقش بسیار موثر و تأثیرگذاری بر شکل دادن هویت فردی و جمعی دارد. در واقع با توجه به اصل جامعیت، خانه جزئی از فرهنگ یک جامعه است که قابل مطالعه است.

فرهنگ و الگوهای زیستی در مسکن

پیش از پرداختن به این بخش باید اشاره کرد که «راپاپورت» برای توضیح رابطه «فرهنگ و محیط»، مفهوم فرهنگ را تجزیه می-کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان بینی قلمداد می کند. جهان بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی شناسی است. ارزشها، دربرگیرنده مجموعه ای از ایده آلها و آرمان هاست که هنجارها و قوانینی را شامل می شود. نوعی روش زندگی را شکل می دهد که کلیه فعالیت ها بر اساس آن تنظیم می شود. به عبارت دیگر، کیفیت انتظام بخشی محیط مصنوع تابع ارزش ها و هنجارهای فرهنگی است به نحوی که بیشترین همخوانی را با مدل آرمانی آن فرهنگ داشته باشد. در واقع آنچه انسان می سازد از بنای یک خانه گرفته تا یک شهر، تجسمی از آرمان ها و ایده آل های فرهنگی است. به نظر راپاپورت فرهنگ به «مجموعه ارزش ها و عقاید مردمی که ایده آل ها و آرمان های آن ها در یک جهان بینی شکل گرفته است» اطلاق می-شود. بر اساس این اصول و قواعد است که مجتمع های زیستی در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک «تمامیت با هویت» در می آیند و قابلیت تمییز از دیگر نمونه ها را پیدا می کنند (راپاپورت،۱۳۶۶، ص ۱۷).

لذا تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط های مصنوع اهمیت دارد؛ چراکه شیوه هرکدام از گروه ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

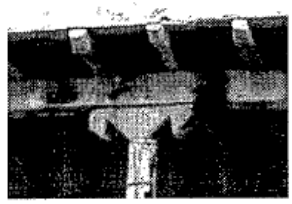

تصویر ۶ ضرورت توجه به تکنولوژی و دانش بومی در طراحی و ساخت پروژه های نوسازی مسکن روستایی و ارتقای آن(روستاهای کلاته خیج استان سمنان)



تصویر شماره ۲- سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متاثر از موقعیت جغرافیایی فرهنگی و نوع معیشت در مسکن(بندر دیوان استان هرمزگان)

تصویر ۲. تکنولوژی و دانش بومی در نوسازی مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۹ و تصویر ۳. سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متاثر از جغرافیای فرهنگی و نوع معیشت مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

حرفه، ایدئولوژی وغیره آن را تعیین می کند. روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می گیرد. شیوه زندگی افراد را می توان با سنجش الگوی مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط اجتماعی تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). از سویی دیگر، معماری نزد بشر اولیه با «تعیین حریم و شاخص کردن قلمرو» صورت پذیرفته و با گذر زمان به شکل پیچیده‌ای «بازتاب وضعیت زندگی اجتماعی» بشر شده است. تحقق نیاز به تصرف فضا و تغییرات آن که در ابتدا با علامتگذاری انسان صورت می پذیرفته، در طی زمان تکامل پیدا کرد: «۱. نخست آنکه پاسخگوی ارتقاء شعور و مفهوم هر آن چیزی است که انسان در دنیای پیرامونی خود انجام می دهد و بازنمایی کارهای وی و فرافکنی مقیاس کوچکی از دنیایی است که برای خود ساخته است؛ و ۲. دوم در پاسخ به نیاز بشر به ارتقای رفاه و ویژگی تلاش برای بهبود وضعیت محیط زیست پیرامون، متناسب با اوضاع اجتماعی مشخص تغییر یافته است» (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

از سویی دیگر با تغییر در نظام خانواده فضاهای سکونتی نیازمند تحول می باشند. در حال حاضر زندگی در خانواده های هسته ای و در مسکن جدید تحت تاثیر تغییرات سنی کودکان و بزرگسالات و تغییر نیازهای آن در طول زمان است (عینی فر، ۱۳۸۲، ص ۶۶). لذا انطاف پذیری مسکن می تواند راهکاری برای ترسیم چهره ای جدید از مساکن جدید بشمار رود که الگوی آن در نمودار زیر بیان شده است.

مولفه های فرهنگی- اجتماعی ترکمنها در مسکن

در مورد تاریخ اقوام ترکمن ابهامات فراوانی وجود دارد. اما با وجود این ابهامات نکات مشترکی که در مورد تاریخ ترکمنها در منابع وجود دارند به ما می گویند که این قوم شاخه‌ای از ترکهای آسیای میانه‌اند و در بخش جنوب غربی آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان)، نواحی شمال ایران (ترکمن صحرا)، افغانستان و چند گروه از آنها در عراق و ترکیه زندگی می کنند. «آ.وامبری» در سیاحتنامه درویش دروغین، ترکمن ها را به طوایف زیر تقسیم می کند (وامبری، ۱۳۶۵، ص ۳۸۴): «۱. چاودور؛ ۲. ارزاری (ارساری)؛ ۳. آل علی؛ ۴. قره؛ ۵. سالور؛ ۶. ساریق؛ ۷. تکه؛ ۸. گوگلان؛ ۹. یموت».

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن های ایران): در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه های اجتماعی مرتبط با موضوع می پردازیم.

۱. **«ساختار ابتدایی اقوام ترکمن»** (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیابانگردی) داشته اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی اند؛ (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

چـراگاه هـای بهتر بـرای دام های خود می باشـند. این تحـرکات خـود موجب آشـنایی با فرهنگ هـا و جوامع مختلف در سـر راه یافتن چراگاه می شـوند و همانگونه کـه ذکر شـد گاه این تحرکات به صـورت مهاجرت های عظیم، موقعیت تاریخی و جغرافیایی منطقه ای وسـیع را تحـت الشـعاع قـرار می دهنـد. اما جوامع کشـاورزی بـه جوامعـی مـی گوینـد کـه بـه کشـت محصـول می پردازنـد (گیدنـز، ۱۳۷۹، ص ۷۱). جوامعـی همچـون جامعـه ترکمن هـا در مقاطعـی دارای اقتصـاد مختلط شـبانی و کشـاورزی بـوده انـد. تحـرک جوامع شـبانی و سـکون جوامـع روسـتایی باعـث پیدایـش گونه های متفاوتـی از نمادهـا و نشـانه هـا مـی شـود (کیتسـی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «**سـاختار ایلـی**»: ترکمنهـا پدرتبار هسـتند. آنها قبل از قرن بیسـتم دارای خانواده های گسـترده بسـیار بـزرگ بـا یـک رئیس خانـواده (پـدر) مقتدر و مسـتبد بودنـد. جامعه ترکمن جامعه ای شـبانی اسـت و دارای سـاختار ایلـی می باشـد. در این سـاختار آنچـه اهمیت مـی یابـد روابـط عشـیره ای و خانوادگـی در یـک ایـل می باشـد. بـه دیگـر سـخن، یـک ایـل مجموعـه ای از واحدهـای اجتماعی اسـت کـه از پیوسـتن خانوارهایی هـم نسـبت بـه وجـود مـی آیـد (اشـتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰). بنابرایـن تبـار و خویشـاوندی یکـی از عوامـل مهـم ایـن نظـام اسـت و تقسـیم اجتماعـی کار در نزد ایشـان نیـز در قالـب همین سـازمان خانوادگی شـکل یافتـه اسـت (اشـتری، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹). ترکمـن هـا همانند بسـیاری از عشـایر ایران زمین دارای ساختاری قبیلـه ای و عشـیرتی بـوده انـد. ویلیام آیرونـز در مقاله ای این نظام را در سـاختاری سیاسـی تعریف می کند. وی مـی گویـد: «کوچکتریـن واحد سیاسـی ترکمن ها خانـواده هایـی بودنـد کـه با هم بیشـتر از هفت پشـت پـدری فاصلـه نداشـتند. از این رو از اتحـاد چند واحد، بـا چنیـن وضعیت، «ابـه» به وجود مـی آمـد، از اتحاد چنـد «ابـه» یـک «طایفـه» از اتحـاد چنـد «طایفـه» یـک «قبیلـه» از اتحـاد چنـد «قبیلـه» یـک «ایـل» و از اتحـاد چنـد «ایـل» گـروه قومـی یعنـی ترکمـن به وجـود مـی آمد. بـا مهاجـرت ترکمن ها و رسـیدن آنها به ترکسـتان اوضـاع فرهنگی و اجتماعی ایشـان نیز به تدریـج تغییـر کرد. ایـن تغییرات فرهنگـی و اجتماعی در ترکمن هـا در مراحـل زیـر و بـه مـرور زمـان پیـش آمـده اسـت: مرحلـه اول: بیابان گردی و کوچ نشـینی؛ ۱. **مرحله دوم:** رسـیدن به ترکسـتان و ترکمن صحرا و سـاکن شـدن در آن؛ مرحلـه سـوم: یکجانشـینی و گرویـدن بـه اسـلام؛ مرحلـه چهـارم: روستانشـینی و شهرنشـینی (پورکریـم، ۱۳۴۶، ص ۱۸۲). ترکمـن هـا بـرای سـازگاری خـود و ادامـه بقـا در هـر مرحلـه بـه تغییـرات، در طـی زمـان، تـن داده انـد.

۲. «**ازدواج و مراسـم آیینی**»: پورکریم در مجموعه مقـالات خـود در مجلـه هنـر و مـردم رابطـه هـر فـرد ترکمـن بـا یکـی از طایفـه هـای بـزرگ ترکمـن را بـه صـورت زیـر نشـان مـی دهـد (پورکریـم، ۱۳۴۶، ص ۶۴):

فرد ← خانواده ← ابه ← تیره ← طایفه

بیان یافته های تحقیق

نـوع فعالیتهـای اقتصـادی و چگونگـی معیشـت در خانه هـای بومـی و سـنتی تاثیری شـگرف بـر معماری ایـن بناهـا داشـته اسـت؛ چنانچـه خانه هـای بومـی بـرای انطبـاق بـا معیشـت و نـوع زندگی روسـتاییان یا سـاکنان آنهـا سـاخته می شـده اسـت کـه نمونـه های ان در معمـاری خانـه هـای ترکمها نیز دیده می شـود. لـذا، «عامـل دیگری که در کل مسـکن تاثیـر دارد نوع رفتـار و فعالیتهـای معیشـتی مـردم اسـت» (خاکپور، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

اقـوام ترکمـن در زندگـی کوچ نشـینی خـود دارای آداب و رسـوم و نـوع زندگـی خاصـی بوده انـد کـه بـا یکجانشـینی ایـن آداب و رسـوم را بـه خانـه هـا و محیـط روسـتایی یـا شـهری خویـش منتقـل کردنـد. اصیل تریـن منزلـگاه ترکمنها، آلاچیق شـان می باشـد کـه در دوره دامـداری و کوچ نشـینی مأمـن و پناهگاه ایشـان شـمرده مـی شـد. سـاخت آلاچیق ها، مراسـم همـراه آنهـا، تزیینـات داخلـی آلاچیـق ها، نـوع خاص زندگـی ترکمـن ها را نشـان مـی دهد؛ با یکجانشـین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

شـدن و آغـاز کارخانـه سـازی ترکمن ها، بـاز می توان نشـانه هایـی از آلاچیـق ترکمنـی را در خانـه هـای روسـتایی نیـز یافـت، فضـای بـدون دیـوار اولیـن خانه هـای سـاخته شـده در سـاحل دریای خـزر، در منطقه گمیشـان، خواجـه نفـس و بندرترکمن، منازلـی با اتاق هـای محدود و فضاهای باز و بدون تقسـیم بندی برای حریـم خصوصی افـراد، آویزه هـای روی دیوارها که در آلاچیـق هـا مورد اسـتفاده قـرار می گرفـت، کمدهایی کـه روی آنهـا رخـت خـواب می گذاشـته انـد، همه در منازلـی کـه اکنون ترکمن ها سـکونت دارنـد کمابیش بـه چشـم مـی خورنـد. مسـکن ترکمن هـا بـا توجه به ایـن کـه در ابتدا کوچ نشـین بودند و در این صد سـال اخیـر، بـه تدریـج یکجا نشـین شـدند. از نظـر فنی می توان به سـه دسـته تقسـیم کرد: اُی (آلاچیق)؛ ۲- تام (خانـه)؛ ۳- سـاختمان هـای مـدرن امروزی.

اوی هـای ترکمنـی؛ ترکمنهـا در قدیـم اُوی را بـه دلیـل قبـه ای شـکل بودن، قبـه ای از قبه های بهشـت می دانسـتند و آن را مظهر سـلامتی و نشانه سخاوت و آسـایش مـی شـمردند؛ به دلایـل زیر : الـف- در مقابل زلزلـه مقـاوم بـود؛ اگـر آسـیبی هم بـه وسـایل خانه - وسـایل شکسـتنی- وارد می آمد برای جـان افراد هیچ نـوع نگرانـی نداشـت. ب- در ورودی بـدون قفـل بـود و همیشـه بـرای ورود مهمـان آمـاده: زیـرا ترکمن هـا مهمـان نـوازی را نشـانه سـخاوت مـی دانسـتند. ج- نصـب کـردن، برچیـدن و حمـل و نقل اُوی آسـان بود. آلاچیـق در واقـع مسـکن اولیـه ترکمنهـا بـوده و بـا سـاخت اجتماعـی آنها کامـلاً همخوانـی دارد. البته در حـال حاضـر، آلاچیق بسـیار بنـدرت یافت می شـود و

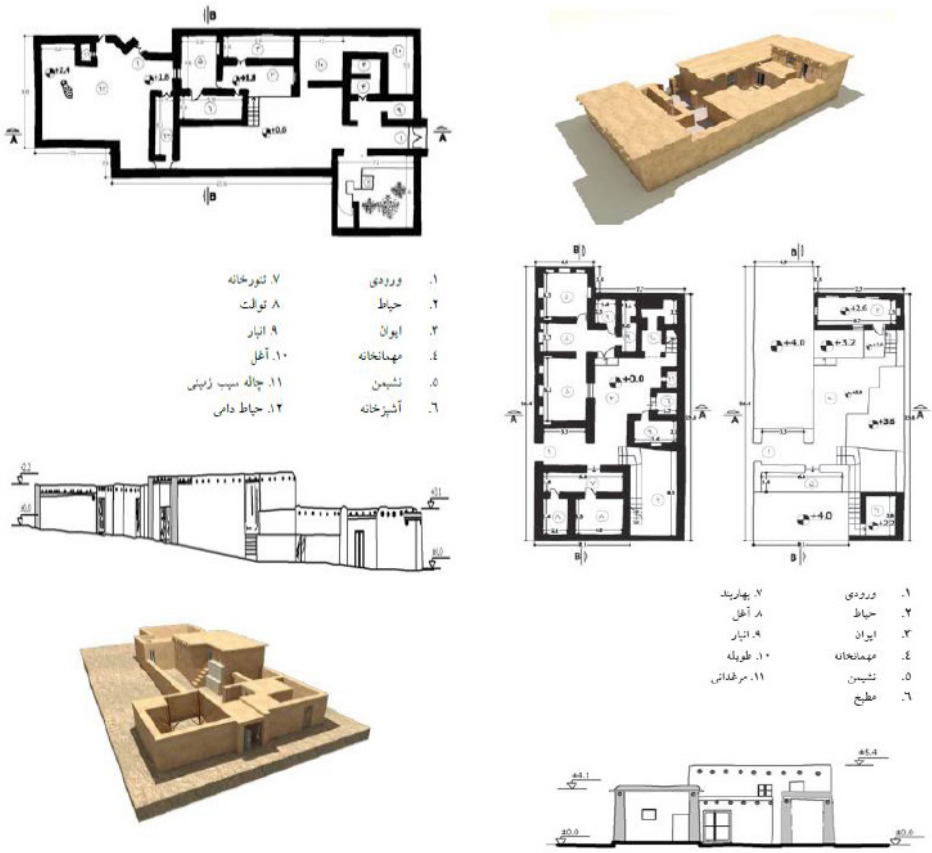

تصویر ۴. (به ترتیب از راست به چپ) خانه با معیشت دامی و فروش لبنیات؛ روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان، ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۸؛ و تصویر ۵. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرندیه؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۹۸.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

تنهـا معـدودی از ترکمن هـای کـوچ رو از آن اسـتفاده می کننـد. معمولاً طرز قرارگیـری اوی ها به این ترتیب اسـت چنـد اوی در کنار هـم قرار می گیرند که نشـانه ارتباط اجتماعی، خویشـاوندی و اقتصادی ساکنان آنها می باشـند زیـرا اوی های همسـایه معمولاً خویشـاوند بوده و دارای مرتع مشـترکی هسـتند و دامهای آنها در یـک گلـه چرا مـی کنند. هـر چنـد تـا اوی را مجموعاً یـک (ابـه) (oba) مـی خواننـد. ابه هـا بـه فاصلـه یک تـا چنـد کیلومتری هـم قرار دارنـد. مجموعـه چند ابه یـک طایفـه و نهایتاً هر چند طایفه یک ایل را تشـکیل مـی دهنـد. بنابراین بـرای هر فرد ترکمن، این سلسـله مراتـب اجتماعـی مصداق دارد: فـرد- خانـواده (اوی)- ابـه- تیـره- طایفـه- ایـل. معمـولا اوی هـای هـر ابه را بـرروی یـک خط مسـتقیم بـر پا مـی کننـد و آلاچیق ریـش سـفید و بـزرگ در ابتـدای ایـن ردیف قـرار می گیـرد. پـس از یکجانشـین شـدن ترکمن هـا و تبدیـل آلاچیـق بـه خانه هـای سـابق در یـک جملـه می توان ازآنهـا بـه عنوان مسـاکن سـنتی یـاد کرد. در سـاختن مسـاکن سـنتی از مصالحـی اسـتفاده می شـود که در محیـط طبیعـی پیرامون وجـود دارند. فراونی اسـتفاده از چـوب در مسـکن ترکمنهـا بسـیار چشـمگیر اسـت. دلیل اسـتفاده ترکمنهـا از خانه های سـنتی که امروزه کاهـش یافتـه اسـت، بـه چهـار عامـل برمی گـردد که عبارتند از:

۱. **«عوامـل فرهنگـی»**: گرچـه ترکمنهـا دیگـر در آلاچیـق زندگـی نمی کننـد و یکجانشـین شـده اند، ولـی سـاخت جامعـه ترکمـن تغییـر چندانـی نکـرده اسـت. کامـلاً آشـکار اسـت کـه اسـتفاده از چـوب در ایـن آلاچیق هـا بسـیار فراوان اسـت، پس بـه کار بردن چوب در سـاخت مسـکن یک عـادت فرهنگی اسـت و یـک قسـمت کوچـک از سـاخت جامعه ترکمن اسـت.

۲. **«تکنولـوژی ناقـص معمـاری»**: در بررسـی خانه هـای کاشـان، یـزد، کرمـان و غیـره کـه سـابقه یکجانشـینی چنـد هزار سـاله دارنـد می بینیم سـابقه یکجانشـینی باعث افزایش تجربه مـردم بومی در رابطه بـا معمـاری شـده اسـت و خانـه ها بـا محیـط طبیعی سـازگاری کامـل دارند. امـا ترکمنهـا نمی توانند آنگونه خانـه بسـازند کـه یـک روسـتایی گنابـادی، یـزدی، کاشـانی می سـازد کـه با اسـتفاده از سـقفهای گنبدی یـا قوسـی فضایـی وسـیع ایجـاد می کنـد. او مجبـور اسـت بـا تیرهای چوبی سـقف را پرکنـد و فاصله آنها را هـم از حـد معینـی نمی توانـد زیادتر کند زیـرا ممکن اسـت سـقف شـکم آورده و بشـکند کـه در ایـن حالت بایـد بـا زدن سـتون، بـار سـقف را بـه سـتونها منتقـل کند .

۳. **«مالکیـت منطقـه»**: مالکیت منطقه شـمال غربی خراسـان متعلـق بـه ترکمنهـا مـی باشـد کـه آنهـا از منابـع طبیعی ایـن منطقه نهایـت اسـتفاده را برده اند.

۴. **«وجود جنگلهای ارس»**: به دلیل اقلیم و پوشـش گیاهـی این منطقـه، اگر ترکمنها این همـه چوب ارس در دسـترس نداشـتند بـرای پوشـش سقفهایشـان راه دیگـری را انتخـاب می کردند.

۵. **«پلان سـاختمان»**: در یک روستای ترکمن نشین معمـولاً بـه خانه هایی بر می خوریم کـه دارای چندین اتـاق در کنارهـم می-باشـند. این اتاقهـا در یک ردیف قـرار داشـته و هرکـدام دری دارند که به سـمت ایوانی سرتاسـری بازمی شـود. این ایوان دارای سـقفی اسـت کـه بـر روی سـتونهای متعـددی اسـتقرار پیـدا کـرده اسـت. معمـولاً در زیـر ایـن اتاقهـا طبقـه دیگـری هم وجـود دارد کـه بـه عنـوان طویلـه یـا انبـار بـه کار می رود. ابعـاد اکثـر اتاقهـا از ۴*۵ متـر تجـاوز نمـی کنـد ولـی طـول ایـوان یـا بـه عبارتـی در ازای ردیـف اتاقها بسـیار متغیـر بـوده و به گسـتردگی یک خانـه یا حتی یـک خانـدان بسـتگی دارد. در بعضـی موارد هـر اتاقی بـرای خـود توالتـی دارد کـه بیـرون ردیف اتاقهـا و در گوشـه ای از محوطـه سـاخته مـی شـود. علاوه بـر این در میـان محوطـه بـه یـک تنـور برمـی خوریـم کـه از سـطح زمیـن بلندتـر سـاخته شـده و بـرای اسـتفاده همه اتاقها مشـترک اسـت.

تامهـای ترکمنـی؛ این سـاختمان کوچک (تـام) نمونه اولیـه سـاختمان هـای چوبـی سـاخته شـده در نواحی سـاحلی ترکمـن صحـرا مـی باشـد. اکنـون اصطـلاح

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

«تـام» در مـورد هر سـاختمانی که سـاخته می شـود، صـرف نظـر از هر گونـه مصالحی که در آن بـه کار رود، در زبـان ترکمنـی مورد اسـتفاده قرار می گیـرد. اولین نمونه نسـبتاً پیچیـده معماری سـاحلی ترکمنها را می تـوان اقامتـگاه محمـد علیشـاه در شـهر خواجـه نفس دانسـت (گلـی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). مناطـق سـاحلی ترکمـن نشـین اسـتان گلسـتان، دارای آب و هوایـی مرطـوب و در فصـل هـای سـرد سـال، اغلـب بارانـی اسـت. بـر ایـن اسـاس مسـکن ایـن مناطـق، هـم باید جوابگـوی نیاز انسـان به سـر پناه باشـد و هم آسـایش اقلیمـی ایشـان را بـه طـور نسـبی تأمیـن کنـد. از این رو مشـاهده مـی شـود، مسـاکن ایـن ناحیـه بـه گونـه یـی طراحـی شـده انـد کـه رطوبـت غیـر قابـل تحمل اقلیمـی را کاهـش دهنـد تـا شـرایط دمـا و رطوبـت، در حـد آسـتانه آسـایش سـاکنان قـرار گیـرد. بـه این دلیـل ایـن سـاختمانها دارای ایـوان هایـی در چهـار طـرف بنـا مـی باشـند و دور تـا دور آنها پنجـره تعبیه شـده اسـت تا حرکـت جریـان های هـوا را کـه از دریا برمـی خیزنـد، در داخـل بنا تسـهیل نمایند. ایـوان در تـام کـم عرض می باشـد و تنهـا کارکردهایـی از جمله اسـتراحت، غـذا خـوردن و پرداختن به کارهـای روزانه در ایـوان ایـن نوع سـاختمان، امکانپذیر می باشـند، در عیـن حالـی کـه وجـود جریان هـوا کـه از جانـب دریا مـی-وزد، باعـث می شـود تا نیـاز چندانی به اسـتفاده وسـیع از ایوان هـا احسـاس نشـود. بـه علـت رطوبـت بیـش از حـد زمین و گرمای شـدید در فصل تابسـتان، تامهـا را بـرای محافظـت از رطوبـت، منفصـل و جدای از زمیـن می سـاخته اند. ایـن سـاختمان هـا چـه بـه جهـت تنظیـم دمای درون سـاختمان (تنظیم شـرایط محیطـی) و چـه بـه جهـت محافظـت از رطوبـت بیش از حـد خـاک، بر روی پایه هایـی در حدود نیـم و گاهاً یک متـر سـاخته می شـده اند. سـقف این سـازه ها نیز متناسـب بـا شـرایط اقلیمی ایـن مناطق طراحی شـده اسـت چنانچـه بطـور مثال سـقف-هایی که بـه صورت زیـر شـیروانی می باشـند، بـرای جمـع آوری آب باران در آب انبـار کنـار سـاختمان نیـز مناسـب بـوده اند.

فعالیتهـای اقتصـادی در تـام؛ نوع رفتـار و فعالیت های معیشـتی و اقتصـادی پـس از اسـکان در بیـن ترکمن هـا، از عوامـل دیگـر شـکل گیری تام هـا بـوده اسـت. بـا اسـکان ایـن قوم تـا مدتـی تغییر اساسـی در نـوع فعالیتهـای معیشـتی ایشـان بـه وقوع نپیوسـت و تام هـا، بر اسـاس همـان فعالیت های معیشـتی موجود در آلاچیقهـا سـاخته می شـده اند. در مناطق سـاحلی کار اصلـی مـردم ترکمـن ماهیگیـری می-باشـد و در کنـار آن ترکمن هـا بـه کار قدیـم خـود، دامپـروری و گاهـاً بـه کشـاورزی می پردازنـد، چراکـه بـه علـت شـور بـودن آب ایـن مناطـق و وجـود بادهـای شـدید دریایـی، امـکان کشـت و کار و باغـداری در این نواحی انـدک اسـت. مسـاکن سـنتی ایـن مناطـق بـر روی پایه هایـی سـاخته می شـوند، در برخـی از طـرح هـا ایـن پایـه هـا بـه قـدری بلنـد انتخـاب مـی شـوند که در زیـر بنـا فضایـی خالـی باقـی می مانـد. از ایـن فضا گاهـاً بـه عنـوان محـل نگهـداری حیوانـات اسـتفاده مـی شـود و در برخـی مـوارد به عنـوان انبار یـا کارگاه قالیبافـی برای زنـان مورد اسـتفاده دارد. اما غالباً محل نگهـداری حیوانـات و کارگاه هـا یـا انبار علوفـه جدا از بنـا سـاخته مـی شـوند. در کنـار برخـی سـاختمان ها مکانـی بـه نام تـلار (Telar) وجـود دارد که بـه عنوان محل آسـایش تابسـتانی مورد اسـتفاده قرار می گرفته اسـت و دارای پایـه هـای بلنـدی از چوب اسـت که در زیـر آن محلـی بـرای نگهـداری دام هـا در نظـر گرفته می شـده اسـت. یکی از فعالیـت های زنـان ترکمن نخ ریسـی بـوده اسـت که جهـت انجـام این کار در سـقف تامهـا حلقه یـی بـرای آویختـن دوک نخ ریسـی تهیـه می شـده اسـت و ترکیبـی بدیـع و زیبـا از همسـازی فعالیتهـای اقتصـادی و معیشـتی بـا سـازه مسـکن را نمایـش مـی دهد چنانچـه این حلقه ها غالباً در سـقف تـام تعبیـه می شـده اند. از جملـه مهمتریـن فعالیـت اقتصـادی زنـان ترکمـن قالیبافـی می باشـد کـه برای تسـهیل ایـن فعالیـت اقتصـادی زنـان ترکمـن در تام، در نظـر گرفتـن اتـاق یـا انبـاری جهـت تهیـه قالـی از مهمتریـن بخش هـای طرحریـزی و سـاخت تـام بوده

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

است. در زمستان ها معمولاً دار قالی در یکی از اتاق های تام برپا می شده است و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام دارهای قالب بافی برپا می شده است. اصلیترین فعالیت اقتصادی مردان این منطقه ماهیگیری است. از آنجا که برای نگهداری ماهی، معمولاً آن را نمک سود می کنند و ماهی های نمک سود شده را در اتاقی نگاه می دارند، این فضا نیز در طراحی تام مورد توجه است، چنانچه معمولاً برای نمک سود کردن ماهی ها آنها را از طناب یا سیمی از ستون های طبقه دوم تام در ضلع جنوبی آن که آفتابگیر است، می آویزند.

نتیجه گیری

فرهنگ خانه از منظر انسان شناختی «مجموعه ارزش ها و معانی است که چیستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می کند.» اینکه خانه را چگونه بسازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشانه هایی در آن بکار بریم، درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم، چه کارهای و فعالیت هایی در آن انجام بدهیم یا انجام آنها در خانه را ممنوع کنیم، چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم نماییم، چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم، خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم، چه نسبتی بین خانه و سایر ابعاد زندگی اجتماعی برقرار سازیم، چه آیین هایی را درون خانه و کدام را بیرون آن بجا آوریم و تمام اینها بواسطه «فرهنگ خانه» در هرجامعه پاسخ داده می شود. و فرهنگ خانه زیر مجموعه ای از کلیت فرهنگ جامعه است. از اینروست که هر جامعه ایی فرهنگ خاص خود را دارد، فرهنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه های یک ملت و قوم شکل می گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، فرهنگ خانه نیز تغییر می کند. و از اینروست که دوره های مختلف تاریخی، فرهنگ های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد. همچنین «معناداربودن محیط» و تاثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن انسان می نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن متبادر م شود و نهایتاً «تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تاثیرات محیط»، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی بلکه با روشهای تجربی نیز به اثبات رسیده اند. در مقاله حاضر ابتدا به مفاهیم فرهنگ، مسکن و سکونت و مفاهیم مرتبط با آن، اشاره ای مختصر شد و سپس با بررسی ضمنی به مفهوم فرهنگ گرایی، و به نظریات فرهنگ گرایانه در مسکن و تاثیر تکنولوژی در ساخت و طراحی مسکن بالاخص مسکن ترکمن اشاره شد. در خصوص رویکردهای نظری به معنای محیط و خانه باید گفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند :

۱. الگوی حاکم بر رفتار گروه اول بیش از آنکه برگرفته از اقلیم و فرهنگ باشد تحت تأثیر اقتصاد و قواعد آن است. بر همین اساس، سرعت ساخت‌وساز و صرفه اقتصادی، ارزش‌های کلیدی هستند که پرداختن به بسیاری از ملاحظات دیگر را غیرضروری می‌دانند.

۲. در مورد گروه دوم نیز سنت ترجمه متون دانشگاهی اغلب فرصت چندانی به مهندسان ایرانی، برای شناخت مدل‌ها و قابلیت‌های فرهنگ بومی و خلاقیت در راستای آنها را نمی‌دهد، ضمن آنکه خود این گروه نیز درگیر محدودیت‌های اقتصادی و بازار هستند؛ بنابراین، در خروجی کار این گروه نیز اثری از مطالعه ارزش‌ها و هنجارها و انتظارات ساکنان و لحاظ کردنشان در فرآیند اجرا دیده نمی‌شود.

لذا باید گفت که عوامل ۶ گانه زیر در شکل خانه بومی تاثیرگذار است:

۱. **«عوامل فیزیکی»**: شکی نیست که عوامل فیزیکی یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار در شکل بناها و بویژه خانه ها است. توجه به اقلیم و موقعیت آب و هوایی محل استقرار بنا تأثیر مستقیم در انتخاب شکل آن داشته است. یکی از مهمترین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

کارکردهـای خانـه تأمین نیاز انسـان به سـرپناه اسـت. انسـان همـواره در تـلاش بـرای محافظـت از خـود در برابـر تغییـرات جـوی بـوده از اینرو سـاخت خانه هایی متناسـب با اقلیم سـکونت گاه انسـان ها اجتناب ناپذیر بـوده اسـت. گرچـه امـروز بهبـود تکنیک هـا و مصالح سـاختمانی تـا حـدی جبـر فیزیکـی را تحـت الشـعاع قـرار داده امـا نتوانسـته اسـت آن را از فهرسـت عوامـل مؤثـر در شـکل بنـا خـارج کنـد. از گذشـته تـا کنـون مثال هـای گویایـی از معمـاری خانه هـای منطبـق بـر شـرایط اقلیمـی را مـی توان برشـمرد.

۲. «**مصالح و تکنولوژی سـاخت و سـاز**»: بشـر در طـول هـزاران سـال از مصالحـی چون سـنگ، خشـت، چوب، حصیر و نمد و غیره برای سـاختن خانه اسـتفاده کـرده اسـت. گرچه یافته های باسـتان شناسـی نشـان می دهـد کـه گاهی مصالـح مورد نیـاز برای بناهـا و به خصوص بناهای تشـریفاتی و مناسکی، از سرزمین های دوردسـت منتقـل می شـده اند امـا در اغلـب مـوارد از مصالـح در دسـترس اسـتفاده شـده اسـت. آشـنایی با مصالـح و نحـوه اسـتفاده از آنهـا برای سـاختن خانه ای مناسـب ضـروری اسـت. امـا آیـا می تـوان گفت شـکل بنا صرفاً به مصالح اسـتفاده شـده در آن بسـتگی دارد؟ شـکل بنا حاصـل رونـد تدریجی مهـارت انسـان ها در بهره گیـری از مصالـح و بهبـود تکنیک-های سـاخت و سـاز اسـت. البته نمی توان شـکل بنا را تنهـا به مصالح یـا تکنیک هـای بـه کار رفته نسـبت داد. راپاپـورت در بهتریـن حالـت از تکنولـوژی، شـیوه سـاخت و مصالـح بـه عنـوان «عوامـل تغییر دهنـده» و نـه تعیین کننده شـکل یـاد کرده اسـت. یافته هـای انسان شناسـی نظر وی را تأییـد می کنـد. بـه عنوان مثـال در چین به رغم عمومیـت اسـتفاده از سـفال و تکنیـک واحـد، ممکـن اسـت شـکل پوشـش سـقف خانه هـای یـک روسـتا به دلیـل بـاور به پدیـده فنگ شـویی، بـا یکدیگـر تفاوت داشـته باشـند. رابطه مصالح با تکنیک اسـتفاده از آنها حائـز اهمیـت اسـت. نحـوه اسـتفاده از مصالح یکسـان می توانـد بسـیار متنـوع باشـد. عامـل تعییـن کننـده فرهنگ اسـت.

۳. «**سـایت و موقعیت**»: منظـور از سـایت و موقعیت، محـل قرارگرفتـن بنا اسـت. موقعیت مـی تواند با توجه بـه جغرافیـا و توپوگرافی در نظر گرفته شـود یا مقصود از آن مکان قرار گرفتن بنا در همسـایگی سـایر بناهای مجموعـه زیسـتی باشـد. در ایـن مـورد نیـز نمی توان قائـل بـه جبـر اکولوژیـک بـود و ادعـا کـرد که شـکل بنـا را موقعیـت آن بـر زمیـن یـا موقعیـت آن در شـهر یـا روسـتا تعییـن می کنـد اگرچه این موضـوع اهمیت دارد امـا هرگـز بـه تنهایی بـرای توجیه اشـکال متنوع بناهـا کافـی نیسـت. زمین هـای بـا مشـخصات مشـابه مـی تواننـد مولـد شـکل های بسـیار متفـاوت خانه ها باشـند و شـکل های مشـابه می تواننـد در سـایت های بسـیار متفاوت سـاخته شوند.

۴. «**دفـاع**»: دفـاع یکـی از مؤلفه هـای اجتماعی مؤثر در شـکل بنـا اسـت. حصارهـا، پرچین هـا، دیوارهـای بلنـد و همـه بـه منظور ممانعـت از ورود دیگـران و گاه حتـی بـه منظور اسـتتار از انظار دیگران سـاخته شـده و بـه بناهـا شـکل داده اسـت. خانـه به خصـوص بنایی اسـت کـه باید قابلیـت بـرآوردن حداکثر امنیـت و نیز احسـاس امنیـت را داشـته باشـد. بـه نظـر مـی رسـد سـازماندهی فضایـی بـر اسـاس عامـل دفاعی مسـتلزم توجـه بـه سـبک زندگـی و بـه ویژه شـیوه معیشـت و باورهـای انسـان ها اسـت؛ چراکـه عامـل دفاع بـا توجه بـه آنهـا مفهـوم مـی یابـد. بـه عبارتـی ایـن عوامـل مشـخص مـی کننـد کـه چه چیـزی بیشـتر شایسـته دفاع اسـت.

۵. «**اقتصـاد**»: نظریـات بیشـماری وجـود دارد کـه اقتصـاد را یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده شـکل بنـا و بلکـه مهمتریـن آنهـا معرفـی مـی کند. شـواهد زیـادی در دسـت اسـت کـه انسـان ها در همـه ادوار خانه هایی متناسـب با شـیوه معیشـت و توان اقتصادی خویـش بنـا نموده انـد. اما شـواهدی نیز موجود اسـت کـه شـکل بنـا را از انحصـار عامـل اقتصـاد خـارج مـی کنـد و تأثیـر بـی قیـد و شـرط آنـرا زیـر سـئوال مـی بـرد. شـیوه اقتصـادی مشـابه مـی توانـد سـازمان های فضایـی مختلفـی ایجاد کنـد. راپاپـورت چنینن نتیجه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

مـی گیـرد کـه «اقـوام بـا نظام-هـای اقتصادی مشـابه می تواننـد دارای نظام هـای ارزشـی و جهان بینی های متفـاوت باشـند و از آنجـا کـه خانـه جلـوه یـا بیـان فلسـفه زندگـی یـا جهـان بینـی می باشـد، در نتیجـه نظـام اقتصـادی اثـر تعیین کننـده ای بـر شـکل خانـه نخواهـد داشـت. رابطـه اقتصـاد و سـازماندهی فضایی لزوماً عقلانی نیسـت. بسـیار اتفاق می افتد کـه با ورود بـه شـهر یا روسـتایی بی درنـگ متوجه بناهـای مجلل و بـا عظمـت مـی شـویم کـه منطقاً بایـد بیانگـر ثروت مالـکان آنهـا باشـد. در حالیکه پـس از چنـدی در می یابیـم از چنان ثـروت عظیمی برخوردار نیسـتند. نکته آنجاسـت کـه بنای مجلـل نمادی از پرسـتیژ و حیثیت یـا بـه عبارتـی سـرمایه ی اجتماعـی مالـک اسـت نـه لزومـاً سـرمایه اقتصـادی وی. بـا نگاهـی بـه فهرسـت بلندتریـن بـرج هـای جهـان، در مـی یابیـم اکثـر ایـن برج هـا کـه نیازمنـد صرف هزینـه های گزاف هسـتند، در کشـورهای در حال توسـعه و نه کشورهای ثروتمند سـاخته می شـوند.

۶. **«مذهـب»**: بارزتریـن شـکل اجبـار غیـر فیزیکـی التـزام بـه باورهـای دینی اسـت. افراطی تریـن دیدگاه دربـاره ی تأثیـر مذهـب بـر سـیمای خانـه آنسـت که خانـه را بـه عنـوان یـک معبـد و محلـی بـرای عبادت مـی دانـد. ایـن نظریـات خانه را نمـود سـازماندی فضا بـه دو قسـم مقدس و نامقـدس معرفی مـی کند. خانه فضـای درون را از بیـرون، خـودی را از دیگری جدا می سـازد و مأمنی برای توسـل به نیروهای مـاوراء طبیعی فراهـم مـی کنـد. ایـن قبیـل نظریـه هـا تـلاش دارند همـه چیـز را در خانـه بـه عامـل مذهب نسـبت دهند. شـاید با نگاهی سـنجیده تـر بتوان عامل مذهـب را در شـکل دادن بـه یـک مجموعـه، شـکل کلی شـهر مؤثر دانسـت. چراکه باعث گسـترده شـدن سـایه بـر فضای کوچـه در آفتـاب کویـری یزد می شـود. در نهایت نگاه جبرگرایانه باید کنار گذاشـته شـود. می دانیم واقعیتی وجـود دارد، اینکـه خانـه نیـز ماننـد تمـام تولیـدات فرهنگی دیگر دارای بار ارزشـی و سـمبلیک اسـت. لذا در تعییـن عوامل مؤثر بر شـکل خانه لازم اسـت ضمن بررسـی فاکتورهـای مـادی بـه دین بـه عنـوان فاکتور غیـر مـادی تأثیرگـذار در روند سـازماندهی فضایی نیز اشـاره شـود. «دیـن به عنـوان عامـل بیان شـکل خانه بیشـتر امـکان گراسـت تا تعییـن کننده».

در مسـکن ترکمنهـا بیشـترین اصل مـورد توجه میزان «اختـلاط بـا طبیعت و زیسـت بـوم» اطراف می باشـد. در واقـع نـوع زندگـی ایـن افـراد و شـیوه زندگـی انهـا کـه در ابتـدا به صورت کوچ نشـینی بوده اسـت، امکان رابطـه مسـالمت آمیز بـا طبیعت اطـراف را فراهم کرده اسـت. لذا در تحلیل سـاختار نحـوی- کالبدی معماری مسـکن ترکمنهـا در دوره هـای مختلـف تاریخـی و در برهه هـای اجتماعـی متفـاوت، بایـد نگاهـی عمـده و رویکردی غالب به پیوسـتاری و همبسـتگی شکلگیری مسـکن و طبیعـت اطـراف و نوع شـیوه های اسـتقرار و آداب و رسـوم و بافـت اجتماعی- فرهنگـی این مناطق داشـت کـه البتـه امـروزه بـه واسـطه تکنولوژی هـای نویـن سـاخت ایـن گونه مسـکن کمرنگ شـده و رنگ باختـه اسـت. در رابطـه بـا تاثیـر تکنولـوژی بـر تغییـر الگوهـای زیسـتی ترکمنهـا می تـوان بـه مـواردی بـه شـرح زیر اشـاره کرد:

۱. یکجانشـین شـدن ترکمنهای عشـایر و تغییر پیشـه و معیشـت دامداری؛

۲. تغییـر ارتبـاط و پیوسـتگی بـا طبیعت و زیسـت بوم منطقـه به واسـطه سـاخت مسـاکن جدید؛

۳. تغییـر نـوع چیدمـان و سـازماندهی فضایـی خانـه هـای بومـی و اوی هـای ترکمـن از الگوی دایـره ای به سـاختار فعلـی کـه مطابـق بـا نظـام پدرسـالاری بافت اجتماعـی ترکمنهـا بوده اسـت؛

۴. از بیـن رفتـن فضاهـای بـاز و نیمـه باز در تـام های ترکمـن که بـه «تـلار» معروفند؛

۵. از بیـن رفتـن محـل نگهـداری ماکیـان و دام و طیـور در تـام هـای ترکمن نسـبت به مسـکن امروزی ترکمنهـا؛

۶. تغییـر محـل آشـپزخانه کـه بیـرون از خانـه بـوده و محـل نـان پختـن و تنور؛

۷. تغییـر تعـداد و ابعـاد اتاق در تامهای ترکمن نسـبت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۲. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل گیری مسکن بومی ترکمن؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

ارکان اجتماعی	(خانه) جوامع سنتی ترکمن	(مسکن و آپارتمان) جوامع مدرن ترکمن
الگوهای فرهنگی		
ارزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابلِ فرهنگیِ اندک	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی‌شدن در عصر اطلاعات
هنجارها	مظاهر اخلاقیِ والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام ترکمن	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام ترکمن
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتسابی؛ وظایف تخصصی محدود	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتسابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوتِ ضعیف	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوتِ متنابه
ارتباطات	چهره به چهره	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی	پلیس رسمی و سیستم قانونی
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک	الگوهای شناور نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ افزایش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	مبتی بر تولید انبوه صنعتی؛ کارخانجات مرکز تولیدند؛ افزایش کار اداری
وضعیت دولت	دولت با مقیاس کوچک؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی	دولت با مقیاس بزرگ؛ مداخله قابل توجه دولت در اوضاع اجتماعی
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمیع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضیع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

به مسکن امروزی؛
۸. تغییر مفهوم محرمیت و جدایی گزینی مهمان از افراد خانه از خانه های قدیم ترکمن تا مساکن جدید آنها؛
۹. تغییرات گسترده در معماری داخلی و فضاهای داخلی خانه های بومی نسبت به مسکن فعلی ترکمن.

اصول سیاستی و برنامه های پیشنهادی فرهنگی بخش مسکن در رابطه با اقوام بومی و بالاخص ترکمنها در راستای ارتقاء میزان سازگاری بهتر با فرهنگ بومی منطقه و مناسبات فرهنگی- اجتماعی آنها عبارتند از:

۱- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه طراحی معماری در بخش مسکن و لزوم نقد تحولات فرهنگی رایج در شرایط معاصر معماری ایران و جستجوی راهکارهای مدیریتی و نظارتی در ارتقاء برهمکنش سازنده معماری و فرهنگ؛
۲- تقویت بنیانها و تم مایه های ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع اثرگذاری این مولفه-های هویتی و فرهنگی و اجتماعی در زمینه طراحی مسکن؛
۳- گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری و علمی و همچنین حمایت از فعالیتها و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه بخش مسکن با نظارت ارگانهای و سازمانهای متولی وابسته به ساختار دولت؛
۴- بازشناسی و ارزیابی مواریث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف طراحی مسکن ایرانی- اسلامی و نگاهبانی از مأثر و مواریث اسلامی و ملی در حوزه معماری؛
۵- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق در رابطه با معماری فرهنگی و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها منجمله طراحی و ساخت مسکن بومی مبتنی و منتج از فرهنگ و مولفه های اجتماعی اصیل موجود؛
۶- شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی و با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب در زمینه برنامه هویتی و ماهوی مسکن؛

منابع و ماخذ

۱. اشتری، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر سوم.
۲. باشلار، گاستون (۱۳۹۲) بوطیقای فضا، ترجمه: مریم کمالی، محمد شیربچه، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول
۳. برومبرژه، کریستین (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. بیتی، حامد (۱۳۹۱) ارزیابی جایگاه مسکن بومی در برنامه های ساخت و ساز مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۹.
۵. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.
۶. پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴، ش ۴۱، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵؛ بهمن ۴۶).
۷. پوری، عبدالحمید (۱۳۷۶) شناسایی طرح ها و نقوش فرش ترکمن، مجموعه مقالات سمینار علمی فرش ترکمن، جهاد سازندگی استان گلستان، گرگان ۲۲-۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۶
۸. خاکپور، مژگان (۱۳۸۴) مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۹. خاکپور، مژگان و دیگران (۱۳۹۴) ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹.
۱۰. راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
۱۱. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه صدف ال رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

۱۲.راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۳.راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
۱۴.راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۵.راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله همگنی یا ناهمگنی در محله‌های شهری، ترجمه شبنم اسماعیلی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۶.راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
۱۷.راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
۱۸.راپاپورت، آموس(۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۹.سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۲۰.سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.
۲۱.شفایی، مینو و رامین مدنی (۱۳۹۰) تبیین روش زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی، آرمانشهر، شماره ۷.
۲۲.شوای، فرانسوا (۱۳۸۲) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳.عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲) الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
۲۴.فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱
۲۵.کیتسی، جاتین (۱۳۷۸) اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرشهای شرقی، مجله قالی، ش ۹۰
۲۶.کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹) ترکمن های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۲۷.گلی، امین (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، نشر علم، تهران.
۲۸.گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۹.لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹) ترکمنهای ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شباهنگ.
۳۰.نُوربری شُولتز، کریستیان (۱۳۸۱) مفهوم سُکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
۳۱.نُوربری شُولتز، کریستین (۱۳۸۰) تفکّر هایدگِر در معماری، ترجمه نیر طهوری، نشریه معمار، شماره ۱۲.
۳۲.نُوربری شُولتز،کریستیان (۱۳۸۲) معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان.
۳۳.وامبری، آرمینیوس (۱۳۶۵) سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۳۴.یاراحمدی، محمود امیر (۱۳۷۸)، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۵.یاران، علی و ارس مهرانفر (۱۳۹۴) تطابق شاخصهای مسکن بومی گیلان با معماری مدرن غرب، آرمانشهر، شماره ۱۵.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]